

# چالش‌های فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان\*

مریم عمیدی مظاهری<sup>۱</sup>، مجتبی کرباسی<sup>۲</sup>، فیروزه مصطفوی دارانی<sup>۳</sup>

## چکیده

**مقدمه:** پس از نظام آموزش و پرورش، دانشگاه مهم‌ترین ابزار برای انتقال ارزش‌ها و هنجارها به نسل جوان و پیشرفت و توسعه‌ی جامعه به شکل صحیح می‌باشد. دانشگاه به عنوان محور عقلانیت جوامع، وظیفه‌ی خطیر انتقال، بازسازی و ارتقای فرهنگ جامعه را نیز بر عهده دارد. در «آیین‌نامه‌ی ارتقای مرتبه‌ی اعضای هیأت علمی مؤسسات آموزشی و پژوهشی» مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در بند اول قرار گرفته است. به دلیل انتزاعی بودن مفاهیم و دشواری سنجش مفاهیم انتزاعی و ارزشی آن هم در قالب فعالیت‌های آکادمیک، ابهامات بسیاری در راستای اجرایی کردن مفاد بند اول این آیین‌نامه وجود دارد. بنابراین مطالعه حاضر به منظور شناخت بهتر مشکلات و چالش‌های فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد.

**روش بررسی:** این پژوهش کیفی در نیم‌سال دوم ۹۰-۱۳۸۹ انجام شد. به روش نمونه‌گیری هدفمند، با معاونین فرهنگی دانشجویی فعلی یا سابق دانشکده‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی مصاحبه‌ی نیمه ساختار یافته انجام شد و داده‌ها با روش تحلیل محتوای کیفی تجزیه و تحلیل شدند.

**یافته‌ها:** از تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها پیرامون نظرات معاونین فرهنگی دانشجویی در مورد مشکلات فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی در دانشگاه، چهار مضمون به شرح زیر استخراج شد: مشکلات مرتبط با ماهیت فرهنگ، مشکلات مرتبط با اعضای هیأت علمی، مشکلات مرتبط با دانشجویان، مشکلات مرتبط با سازمان.

**نتیجه‌گیری:** این بررسی بر اهمیت و لزوم برنامه‌ریزی بلند مدت برای فعالیت‌های فرهنگی و مشارکت فعال اعضای هیأت علمی به عنوان کارگزاران اصلی فرهنگ در دانشگاه و جامعه دلالت می‌کند. ایجاد فضای گفتمانی در قالب جلسات هم‌اندیشی استادان و کرسی‌های آزاد اندیشی - که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز می‌باشد - می‌تواند بستر خوبی برای جلب مشارکت فعال و مؤثر اعضای هیأت علمی در دانشکده و دانشگاه باشد. همچنین تدوین شاخص‌های کیفی و کمی مناسب برای سنجش فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در دانشگاه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

**واژه‌های کلیدی:** فعالیت‌های اجتماعی فرهنگی تربیتی؛ مصاحبه‌ها؛ مطالعه‌ی کیفی.

## نوع مقاله: تحقیقی

پدیرش مقاله: ۹۰/۱۲/۱۵

اصلاح نهایی: ۹۰/۱۲/۱۴

دریافت مقاله: ۹۰/۱۲/۱۳

**ارجاع:** عمیدی مظاهری مریم، کرباسی مجتبی، مصطفوی فیروزه. چالش‌های فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. مدیریت اطلاعات سلامت ۱۳۹۰؛ ۸ (۸): ۱۱۹۰-۱۱۷۹.

## مقدمه

\* این مقاله حاصل طرح تحقیقاتی شماره‌ی ۱۹۰۰۴۶ با حمایت مالی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان می‌باشد.

۱. استادیار، آموزش بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده‌ی مسؤول)

Email: maryamamidi@hlth.mui.ac.ir

۲. مربی، زبان انگلیسی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. استادیار، بهداشت جامعه، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

فرهنگ را از عمومی‌ترین، پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مفاهیم علوم انسانی می‌دانند که در همه‌ی فعالیت‌های بشری جریان دارد و از این‌رو کلیه‌ی سیاست‌های جامعه دارای بعد فرهنگی هستند و در شیوه‌های رفتار زندگی با دیگران، تجارب مشترک،

نهادهای رسمی کشور به خصوص نهادهای آموزشی و در رأس آنها دانشگاه‌ها (به عنوان محور عقلانیت جوامع) در فعالیت‌های فرهنگی نیازمند خواهند بود.

پیش از دهه‌ی ۱۹۵۰ وظیفه‌ی دانشگاه‌ها به انتقال دانش موجود به دانشجویان خلاصه می‌شد، ولی به تدریج از دهه‌ی ۱۹۶۰ به بعد عهده‌دار تولید دانش و پژوهش و تحقیق در زمینه‌های علمی و اجتماعی نیز گردیدند و به مرور زمان وظیفه‌ی انتقال بازسازی و ارتقای فرهنگ جامعه نیز بر عهده‌ی دانشگاه‌ها گذارده شد. بنابراین پرداختن به فرهنگ و مقولات مرتبط با آن یکی از رسالت‌های اصلی دانشگاه‌ها محسوب می‌شود (۵).

در همین راستا، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران می‌فرماید: مقدرات هر کشوری به دست دانشگاه و آن‌هایی که از دانشگاه بیرون می‌آیند، هست. دانشگاه بزرگ‌ترین مؤسسه‌ی مؤثر در کشور است و بزرگ‌ترین مسؤلیت‌ها را هم دانشگاه دارد. دانشگاه قبل از هر چیز باید اسلامی باشد تا جوانان ما را هم مہذب کند و هم عالم.

از سال ۱۳۷۶ وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری اقدام به تشکیل معاونت فرهنگی و اجتماعی در سطح وزارتخانه نمود و زیر مجموعه‌های این معاونت با عنوان ادارات امور فرهنگی در سطح دانشگاه‌ها در کنار دو مجری قبلی برنامه‌های فرهنگی دانشگاه‌ها (نهاد نمایندگی ولی فقیه و واحدهای جهاد دانشگاهی) در باب مسایل فرهنگی به فعالیت پرداختند (۲). فعالیت این مجریان فرهنگی بسیار ارزشمند است زیرا اغراق نیست اگر بگوییم که دانشگاه مرکز جامعه‌ی مدرن است. کارکردهای اصلی دانشگاه را می‌توان در سه مورد خلاصه کرد: کارکرد آموزشی، کارکرد پژوهشی و کارکرد جامعه‌پذیری. منظور از کارکرد جامعه‌پذیری آن است که به طور معمول از دانشگاه این انتظار می‌رود افرادی را تربیت کند که شهروندانی خوب و آماده‌ی ایفای نقش‌های خود در جامعه باشند.

به طور کلی، باید اذعان داشت که دانشگاه‌ها در جهت افزایش بلوغ و شایستگی اجتماعی عمل می‌کنند. افراد را از پیش‌داوری آزاد می‌سازند، کمک می‌کنند تا دانشجویان

مشارکت گروهی، خدمات اجتماعی، توسعه‌ی اقتصادی، کسب درآمد و فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات نمود می‌یابند (۱).

تعبیر و برداشت‌های متفاوتی از فرهنگ وجود دارد و هنگام بحث در خصوص «امور فرهنگی» یا «برنامه‌ریزی فرهنگی» ابهام و پیچیدگی زیادی مشاهده می‌شود. مطالعات نشان می‌دهند که مدیریت و برنامه‌ریزی فرهنگی هنوز از لحاظ قانون‌گذاری و پژوهش دوران کودکی خود را می‌گذراند و هنوز روش‌شناسی مدیریتی یا مفهومی از هدف‌های خود ارایه نداده است (۲).

با وجود چنین مشکلاتی، توجه به امور برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ امری اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. برنامه‌ریزی فرهنگی، فرآیند مستمری است که مشارکت همه‌ی فعالان اجتماعی را می‌طلبد. برنامه‌ریزی فرهنگی باید شرایط مناسبی را برای مشروعیت بخشیدن به فعالیت‌های غیر رسمی، که محل پرورش تجارب و ابتکارات است، فراهم آورد (۳).

امروزه فقر معنوی، دوری از هدف حقیقی، تسلیم و شکست در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانه یکی از نگرانی‌های مهم خانواده‌ها، جامعه‌شناسان و مربیان جوامع است. بدون شک، فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی موجب ارتقای سطح معنوی، تأمین بهداشت و امنیت روانی، شناخت و رسیدن به غایت حقیقی خلقت و صیانت در برابر تهاجم فرهنگی بیگانه می‌شود. یافته‌های پژوهشی نیز بر اهمیت این امر تأکید می‌کنند. احمدی در پژوهشی به بررسی رابطه‌ی بین اعتقادات دینی - که زیر بنای فرهنگ کشور جمهوری اسلامی ایران است - و آسیب‌پذیری فرهنگی خانواده در تهران پرداخت؛ نتایج نشان داد که اعتقاد و نگرش دینی با آسیب‌پذیری فرهنگی و داشتن تقیدات مذهبی با آسیب‌پذیری فرهنگی همبستگی معکوس داشتند؛ تقیدات مذهبی به عنوان مانعی در برابر آسیب‌پذیری فرهنگی نقش دارد و کاهش تقیدات دینی افزایش آسیب‌پذیری فرهنگی را پیش‌بینی می‌نماید (۴).

دولت‌ها با عنایت به این مسأله دریافتند که برای دستیابی به توسعه‌ی پایدار (مبتنی بر فرهنگ توسعه یافته) و جلوگیری از تهاجم فرهنگی، به مشارکت فعال همه‌ی آحاد ملت و

اهمیت و ظرافت موضوع، انجام بررسی‌های علمی دقیق و نظام‌مند ضروری به نظر می‌رسد. از آنجا که در زمینه‌ی فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه و مشکلات و موانع پیش روی آن در کشور مطالعات اندکی صورت پذیرفته است؛ این بررسی به منظور شناخت بهتر مشکلات و چالش‌های فعالیت‌های فرهنگی از دیدگاه استادان در دانشگاه علوم پزشکی اصفهان انجام شد.

### روش بررسی

پژوهش حاضر یک تحلیل محتوایی کیفی بود که با تقلیل داده‌های کیفی و طبقه‌بندی آن‌ها، بر آن بود تا معنای آن‌ها را درک کند. جامعه‌ی مورد بررسی در این پژوهش، استادان دانشگاه علوم پزشکی اصفهان در نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹ بودند و از نمونه‌گیری هدفمند یا مبتنی بر هدف پژوهش (Purposeful) استفاده شد. از آنجا که در این شیوه، افراد مورد مطالعه بر اساس هدف تحقیق انتخاب می‌شوند؛ معاونین فرهنگی فعلی و یا سابق هفت دانشکده‌ی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان مورد مصاحبه قرار گرفتند.

نمونه‌گیری بر اساس تحلیل مقایسه‌ای هم‌زمان داده‌های به دست آمده، تا حصول اشباع (Saturation) ادامه یافت. شرط ورود به مطالعه دارا بودن حداقل یک سال تجربه‌ی کار در سمت معاون فرهنگی دانشجویی دانشکده و تمایل به شرکت در مصاحبه و شرط خروج، عدم تمایل و یا فرصت نداشتن برای انجام مصاحبه بود. روش جمع‌آوری داده‌های تحقیق، مصاحبه‌ی عمیق نیمه ساختار یافته (Semi-structure) با استفاده از سؤال‌های باز بود. این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف پذیر و عمیق بودن، برای پژوهش‌های کیفی مناسب است.

در ابتدا با افراد مورد نظر تماس گرفته شد و در صورت تمایل آنان به مشارکت در پژوهش، زمان انجام مصاحبه هماهنگ گردید. در زمان مورد نظر، به دفتر کار افراد مراجعه و ضمن تشریح اهداف پژوهش مصاحبه انجام می‌شد. مدت زمان تقریبی مصاحبه‌ها بین ۶۰ تا ۷۵ دقیقه در هر جلسه بود. به دلیل

ارزش‌های زیبایی‌شناختی زندگی را بهتر بشناسند، دیدگاه‌های دینی آن‌ها تنوع پیدا کند، جزم‌گرایی سیاسی در ایشان کاهش یابد و اعتماد به نفس و حس موفقیت در آن‌ها ایجاد شود (۲).

به جرأت می‌توان ادعا کرد که همه‌ی اندیشه‌های تربیتی و تلاش‌های فکری، از خانه تا مدرسه، برای باور کردن ذهن‌های سرآمد و خلاق، زمانی به معنای دقیق کلمه به ثمر می‌نشیند که جوانان متعهد و هوشمند، همراه با استادان اندیشمند در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی حضور یابند و مشغول تحقیق و تدریس و تهذیب شوند. اما دانشگاه‌های ما، با وجود سرمایه‌گذاری قابل توجه و امکانات تحقیقاتی مطلوب، همواره به دلایل گوناگون و تأثیر برخی از عوامل روانی-اجتماعی، آنگونه که بایسته و شایسته است، در دستیابی به اهداف تربیتی، اجتماعی و فرهنگی توفیق چندانی نداشته‌اند.

بنابراین لازم است بر فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه یعنی محور عقلانیت جامعه بیشتر پرداخته شود و استادان و دانشجویان به نقش تربیتی و فرهنگی خویش بیشتر آشنا شوند و شرایط و تمهیداتی فراهم گردد تا به موازات آموزش و پژوهش، فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی به شکل صحیح انجام شود.

در همین راستا در «آیین‌نامه‌ی ارتقای مرتبه‌ی اعضای هیأت علمی مؤسسات آموزشی و پژوهشی» - که در جلسه‌ی ۶۷۹ مورخ ۸۹/۱۰/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی، به منظور هدایت بهینه‌ی فعالیت‌های اعضا به عنوان یک نیاز بنیادین جامعه‌ی دانشگاهی کشور؛ به تصویب رسیده است (۶)-، فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در بند اول قرار گرفته است که باعث اقبال هر چه بیشتر اعضای هیأت علمی به این امر می‌گردد. بدون تردید، در نظام ارزشی دینی و اجتماعی ما فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی ارزش و منزلت خاص دارند و لزوم توجه به این امر مورد توافق همگان است. اما به دلیل انتزاعی بودن مفاهیم و دشواری سنجش مفاهیم انتزاعی و ارزشی آن هم در قالب فعالیت‌های آکادمیک؛ ابهامات بسیاری در راستای اجرایی کردن مفاد بند اول این آیین‌نامه وجود دارد و با توجه به

پدیده‌ی مورد مطالعه باشد، از بازنگری توسط شرکت کنندگان (Member check) و مرور توسط افرادی غیر از شرکت کنندگان استفاده شد.

بازنگری توسط شرکت کنندگان برای تأیید داده‌ها یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های محققان برای پی بردن به اعتبار داده‌ها بود.

بدین منظور، طبقات به دست آمده از آنالیز داده‌ها طی جلسه‌ی حضوری و انفرادی با تعدادی از شرکت کنندگان مطرح شد و از آنان خواسته شد تا درباره‌ی یافته‌های تحقیق، نظر خود را بیان نمایند و اطمینان حاصل شود که طبقات بیانگر نظرات و دیدگاه‌های آنان است. همچنین از روش بازنگری ناظرین (External check) و بهره‌گیری از نظرات تکمیلی همکاران (Peer debriefing) استفاده شد.

به منظور رعایت اخلاق پژوهش، رضایت آگاهانه در فرآیند پژوهش کسب گردید (هدف مطالعه، نحوه‌ی همکاری، روش جمع‌آوری و ضبط داده‌ها، نقش پژوهشگر و مشارکت کنندگان در پژوهش بیان گردید). اطلاعات به صورت محرمانه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شرکت در پژوهش داوطلبانه بود و مشارکت کنندگان در هر زمان دلخواه حق کناره‌گیری از پژوهش را داشتند. در صورت درخواست مشارکت کنندگان، نتایج در اختیار آنان گذاشته شد.

#### یافته‌ها

در این مطالعه ۱۰ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان شرکت داشتند. ۷ نفر در حال حاضر و سه نفر در گذشته معاون فرهنگی دانشجویی دانشکده‌ی خود بودند. ۴ نفر مربی، ۶ نفر استادیار و ۲ نفر دانشیار بودند. از تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها پیرامون نظرات معاونین فرهنگی، دانشجویی در مورد مشکلات فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی در دانشگاه، چهار مضمون مشکلات مرتبط با ماهیت فرهنگ، مشکلات مرتبط با اعضای هیأت علمی، مشکلات مرتبط با دانشجویان، مشکلات مرتبط با سازمان استخراج شد. مفاهیم اصلی و زیر مفهوم‌های آنها در جدول ۱ ارائه شده است.

ماهیت موضوع مورد نظر و تفاوت افراد مورد بررسی، در مصاحبه با برخی از افراد موضوع مورد بحث در یک جلسه ناتمام می‌ماند و ادامه‌ی بحث به جلسه‌ی بعد موکول می‌گردید. بنابراین با تعدادی از مشارکت کنندگان بیش از یک‌بار (حداکثر سه بار) مصاحبه انجام شد. از معاونین پرسیده می‌شد «در انجام فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی و تربیتی در دانشکده با چه مشکلاتی مواجهه هستید؟ و چه عواملی بازدارنده یا مخل این فعالیت‌ها می‌باشند؟». با کسب رضایت افراد، مصاحبه ضبط می‌شد و در دو مورد به دلیل عدم تمایل فرد، متن مصاحبه به صورت دستی (با کمک دستیار مصاحبه کننده که فردی مسلط به فن تندنویسی بود) نوشته شد.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوای کیفی (Qualitative content analysis) به منظور تفسیر ذهنی (Subjective interpretation) محتوای داده‌های متنی استفاده شد. ابتدا تمام مصاحبه‌های ضبط شده کلمه به کلمه نوشته (Transcript) شد. برای این منظور، مصاحبه‌ها در چند نوبت به دقت گوش داده شد و متن دست نوشته چند بار مرور و تایپ گردید، سپس به واحدهای تحلیل شکسته شد. واحدهای تحلیل، چندین بار مرور و بر اساس تشابه مفهومی و معنایی طبقه‌بندی شدند. روند تنزل در کاهش داده‌ها در تمام واحدهای تحلیل و طبقه‌های فرعی و اصلی جریان داشت؛ تا هم تعداد واحدهای مفهومی کمتر و هم طبقه‌های فرعی و اصلی، انتزاعی و مفهومی‌تر شدند. به این ترتیب، داده‌ها در طبقه‌های اصلی که کلی، مفهومی و انتزاعی بودند، قرار گرفتند.

در هر بار، تغییرات لازم در مورد محتوا و نام طبقه - که باید گویای محتوای آن باشد - اعمال شد. در نهایت، پژوهشگران و مشارکت کنندگان به احساس رضایت مشترک درباره‌ی معنای داده‌ها و طبقه‌های اصلی و فرعی، محتوا و نام آنها رسیدند. در این پژوهش، با ایجاد تمهیداتی سعی شد معیارهای دقت (Trustworthiness)، مشابه روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی، رعایت شوند.

برای اطمینان از اینکه تفسیر داده‌ها منعکس کننده‌ی

جدول ۱: مفاهیم اصلی و زیر مفهوم‌های مشکلات فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی در دانشگاه

مفاهیم اصلی	
<p>۱-۱. ابهام در تعریف فرهنگ                      ۲-۱. وسعت حوزه و تعدد ابعاد فرهنگ                      ۳-۱. آمیختگی فرهنگ و سیاست                      ۴-۱. وابستگی به سایر فعالیت‌ها                      ۵-۱. فقدان نتایج آنی                      ۶-۱. ماهیت کیفی                      ۷-۱. فقدان شاخص‌های مشخص سنجش</p>	<p>۱. مشکلات مرتبط با ماهیت فرهنگ</p>
<p>۱-۲. کمبود وقت و تعدد وظایف                      ۲-۲. عدم احساس نیاز به انجام فعالیت فرهنگی                      ۳-۲. خود محوری و خود بینی                      ۴-۲. عدم احساس مسؤلیت                      ۵-۲. فقدان روحیه کار گروهی و همکاری                      ۶-۲. برجسب زنی سیاسی                      ۷-۲. اطلاعات فرهنگی، مذهبی ناکافی                      ۸-۲. عدم اطلاع از منابع حمایتی                      ۹-۲. الگوهای فکری قدیمی</p>	<p>۲. مشکلات مرتبط با اعضای هیأت علمی</p>
<p>۱-۳. تهاجم فرهنگی                      ۲-۳. کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی                      ۳-۳. انتظارات زیاد و متفاوت دانشجویان                      ۴-۳. بی‌تفاوتی نسبت به فعالیت‌های غیر درسی                      ۵-۳. اطلاعات فرهنگی مذهبی ناکافی                      ۶-۳. شکاف نسل‌ها                      ۷-۳. مشکلات خانوادگی</p>	<p>۳. مشکلات مرتبط با دانشجویان</p>
<p>عدم تمرکز، سطحی نگری، ظاهر سازی و شتاب زدگی، منحصر ساختن فعالیت‌های فرهنگی در برگزاری مراسم، غفلت از مسایل فرهنگی زیر بنایی                      فقدان قوانین روشن و دستورالعمل‌های نظام‌مند                      عدم تبیین صحیح جایگاه مذهب در سیاست، بدبینی افراد به نظام به دلیل عملکرد برخی از مسؤولان یا عوامل دیگر                      وابستگی فعالیت‌های فرهنگی به افراد به جای قوانین و مصوبات وزارتخانه‌ای، جایگاه کم‌رنگ معاونت فرهنگی، دانشجویی در مقایسه با سایر معاونت‌ها                      فقدان سیستم مشارکت فعال و مؤثر اعضای هیأت علمی، نامشخص بودن انتظارات حاکمیت از استادان در زمینه تأثیر گذاری فرهنگی آنان در محیط‌های دانشجویی، عدم هماهنگی نهاد رهبری و معاونت فرهنگی دانشجویی، موازی کاری                      فقدان برنامه‌ی مدون و پیوسته‌ی ارتقای فرهنگی استادان در طول دوران خدمت، عدم استفاده از افراد مناسب برای آموزش‌های فرهنگی، محدود شدن فعالیت‌های آموزشی فرهنگی به جنبه‌ای خاص از فرهنگ، رشد فرهنگی کاریکاتوری</p>	<p>۱-۴. عدم برنامه‌ریزی صحیح                      ۲-۴. فقدان آیین‌نامه‌های مناسب                      ۳-۴. تأثیر مسایل سیاسی بر فرهنگ                      ۴-۴. اشکالات مدیریتی                      ۵-۲. مشخص نبودن متولی فعالیت‌های فرهنگی استادان                      ۶-۲. فقدان سیستم آموزشی کارآمد برای فعالیت‌های فرهنگی</p>
	<p>۴. مشکلات سازمانی</p>

برای جلب مشارکت استادان در این امر مهم بودند. شرکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۳ بیان نمود: «وقتی بیان می‌شود فلانی مسؤول فرهنگی هستند، انگار مسؤولیت از بقیه ساقط می‌شود. انگار فقط ما باید به دانشجوی بی‌حجاب، بد اخلاق و درس نخوان تذکر بدهیم. بقیه تکلیفشان منتفی شده است. احساس مسؤولیت نمی‌کنند که به عنوان مسلمان باید امر به معروف و نهی از منکر کنند...» و معاون دیگری اذعان داشت: «استادان پیش‌کسوت علمی هستند، اما مسایل اخلاقی را خیلی پررنگ نمی‌کنند...».

کمبود وقت و تعدد وظایف، یکی دیگر از مسایلی است که بر انجام فعالیت فرهنگی تأثیر منفی می‌گذارد، به خصوص اینکه تا قبل از تصویب آیین‌نامه‌ی جدید، ارتقای فعالیت‌های فرهنگی جای مشخصی در فعالیت‌های اعضای هیأت علمی نداشت. شرکت‌کننده‌ای به خوبی این مسأله را تبیین کرده است: «در فضای امروز وقتی برای عضو هیأت علمی نگذاشتند که بخواهد صرف کار فرهنگی بکند ... همه دنبال مسیر پیشرفت و ارتقا هستند، در قالبی که در فرایند ارتقا تعریف شده است، تولید علم؛ آن هم فقط تولید مقاله... کار فرهنگی خیلی جایی ندارد...».

در همین راستا خود محوری و خود بینی (فقط به فکر منافع خود بودن)، برجسب زنی سیاسی، اطلاعات فرهنگی مذهبی ناکافی، اختلاف سلیقه و نگرش، الگوهای فکری قدیمی، عدم آگاهی و شناخت از تعلیم و تربیت صحیح، فقدان روحیه‌ی کار گروهی، عدم اطلاع از منابع حمایتی (امکانات نهاد رهبری در دانشگاه) از دیگر مشکلات مرتبط با استادان بود.

شرکت‌کننده‌ای با تأسف زیاد بیان می‌کرد: «استادان ما نمی‌دانند تربیت چیست. فکر می‌کنند این کاری که می‌کنند، به دانشجوی زور می‌گویند، اجبارش می‌کنند در یک درس دو واحدی شش تا کتاب بخواند و امتحان سخت بگیرند و نمره‌ی کم بدهند و ایراد زیاد به نظم دانشجوی بگیرند... انتظار داشته باشند سر کلاس اصلا حرف نزنند، این یعنی تربیت و آموزش...!»

معاون دیگری در راستای کمبود اطلاعات استادان و عدم اطلاع از منابع حمایتی مطرح می‌کرد: «گاهی اوقات اطلاعات

به طور تقریبی تمام شرکت‌کنندگان کار فرهنگی را لازمه‌ی تدریس موفق و آموزش مؤثر می‌دانستند و بر اهمیت رفتارهای استادان به عنوان الگویی برای دانشجویان تأکید می‌کردند. «یک استاد برای آموزش مؤثر باید رابطه‌ی مرشدی داشته باشد، یعنی وظیفه‌ی رشد و هدایت افراد را به عهده بگیرد نه فقط انجام یک سری دانش‌ها و محتواها...» شرکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۵.

با وجود تفاوت ظاهری در مسایل مطرح شده در خصوص چالش‌ها و مشکلات فراروی انجام فعالیت‌های فرهنگی در دانشکده‌های مختلف، ریشه‌های مشترک در همه‌ی آن‌ها قابل تشخیص بود. پاره‌ای از مشکلاتی که به طور تقریبی همه‌ی شرکت‌کنندگان در آن اتفاق نظر داشتند، مرتبط با ماهیت و طبیعت فرهنگ بود که در اغلب مواقع به عنوان مانع اجرای موفق فعالیت فرهنگی در نظر گرفته می‌شد. شرکت‌کننده‌ی شماره‌ی ۶ در این خصوص بیان داشت: «در مسایل فرهنگی علی‌رغم اینکه سیاست‌گذار خاصی نداریم، همه در آن صاحب نظرند و مشخص هم نیستند... عناصر تأثیرگذار بر مسایل فرهنگی خیلی زیادند اما در آموزش یا پژوهش این طور نیست و مسأله تا حدودی تعریف شده است...» شرکت‌کننده‌ی دیگر اشاره نمود: «فرهنگ خیلی خیلی گسترده است و دیگر اینکه کار فرهنگی خیلی زمان‌بر است، زود بازده نیست؛ بعدها نتیجه‌اش مشخص می‌شود...»

همچنین عامل دیگری که به طور جدی از انجام کارهای فرهنگی ممانعت می‌کند و مرتبط با ذات و ماهیت فرهنگ است، نبود شاخص‌های معین و مدون و تعریف شده برای ارزیابی می‌باشد. چرا که اینگونه فعالیت‌ها دارای ماهیت کیفی هستند و استفاده از سنجش کیفی در حال حاضر چندان مرسوم و متداول نیست؛ لازم است در این خصوص اقدامات شایسته صورت پذیرد.

دسته‌ی دیگر، مشکلات مرتبط با اعضای هیأت علمی بود. به طور تقریبی تمام معاونین فرهنگی در دانشکده‌های مختلف عدم مسؤولیت‌پذیری همکاران برای فعالیت فرهنگی، تربیتی را از جمله چالش‌های عمده می‌دانستند و به دنبال راهکاری

می‌زنیم راه‌حل‌های دینی داریم، اما به آن‌ها عمل نمی‌کنیم...» نبود آیین‌نامه‌های مناسب؛ فقدان قوانین روشن و دستورالعمل‌های نظام‌مند در زمینه‌ی فعالیت‌های فرهنگی که به سر در گمی و اختلاف و نارضایتی خواهد انجامید.

یکی از شرکت‌کنندگان ضمن تأکید بر اهمیت قوانین بیان نمود: «... در وظایف شش‌گانه‌ی اعضای هیأت علمی فقط حیطه‌ی آموزش و پژوهش تعریف شده است. حوزه‌ی اجرایی هم تا حدودی و بقیه‌ی حوزه‌ها نامشخص است، حوزه‌ی فرهنگی هم نامشخص است که باید مشخص شود. ماهیت کار فرهنگی، کیفی است. تکلیف معلوم نیست. عاقبت قرار است کار فرهنگی چطور ارزیابی شود؟...»

تأثیر مسایل سیاسی بر مسایل فرهنگی؛ عدم تبیین صحیح جایگاه مذهب در سیاست، بدبینی افراد به نظام به دلیل عملکرد نامناسب برخی از مسؤولان یا عوامل دیگر که سبب فاصله گرفتن افراد از فعالیت فرهنگی می‌شود.

بیشتر شرکت‌کنندگان بر آمیختگی سیاست، مذهب و فرهنگ در دانشگاه اذعان داشتند که البته امری طبیعی است؛ چرا که یکی از اهداف مهم انقلاب، ایجاد دانشگاه اسلامی است و لازم است صبغه‌ی اسلامی در تمام فعالیت‌های دانشگاهی اعم از آموزشی، پژوهشی و فرهنگی قابل تشخیص باشد؛ اما به دلیل اینکه جایگاه مذهب در سیاست و مشی سیاسی جامعه به طور کلی و در دانشگاه به خور خاص به خوبی تبیین نشده است و برخی افراد ناآگاه در این زمینه از عملکرد مناسب برخوردار نیستند؛ این عامل تأثیر منفی می‌گذارد و باعث کناره‌گیری برخی از افراد از اجرای اقدامات فرهنگی مناسب می‌شود. شرکت‌کننده‌ای اذعان داشت: «در این فضای عمومی همه در زمان انجام کار فرهنگی نگران عواقب هستند حتی آدم‌های معتقد هم با احتیاط وارد این عرصه می‌شوند، چون سریع برچسب می‌زنند... در جامعه‌ی ما بر مبنای استنباط‌های شخصی به فعالیت‌های فرهنگی دیگران برچسب می‌زنند و آدم‌ها سعی می‌کنند از این حوزه فاصله بگیرند... تا فضا این طور است خیلی نمی‌شود کار فرهنگی کرد...». شرکت‌کننده‌ی دیگری بیان داشت: «البته کار سیاسی لازم است، فردی که از

استاد کم است... گاهی ما می‌خواهیم چیزی را به دانشجو یاد بدهیم که خودمان هم درست نمی‌دانیم که بد است و گیر می‌افتیم؛ باید جایی باشد که من بتوانم دست دانشجو را در آن بگذارم مثل نهاد. من نمی‌دانم نهاد تا چه حد کمک می‌کند با اینکه اطلاع رسانی می‌کنند، اما برنامه‌هایشان کمی گنگ است...»

مشکلات مرتبط با دانشجویان دسته‌ی دیگری از چالش‌های بیان شده بودند که به طور تقریبی در همه‌ی دانشکده‌ها مطرح شدند مانند انتظارات زیاد و متفاوت دانشجویان، بی‌تفاوتی نسبت به فعالیت‌های غیر درسی، اطلاعات فرهنگی ناکافی، تهاجم فرهنگی، رقابت منفی دانشجویان، فقدان مشارکت، عدم مسؤولیت‌پذیری، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی، مشکلات خانوادگی و شکاف نسل‌ها. یکی از شرکت‌کنندگان در ضمن بیان مشکلات مرتبط با دانشجویان مطرح کرد که «من نمونه‌های زیادی داشتم، برای مثال ترم قبل دانشجویی مراجعه کرد که به مفسده‌هایی کشیده شده بود... دانشجو امکانات در اختیار دارد، کنترل درستی هم که نیست، شاکله‌ی دینی‌اش هم که خوب بسته نشده است و رقیق‌های خوبی هم ندارد و این عوامل باعث می‌شود که این جوان انحراف داشته باشد...».

مشکلات سازمانی نیز دسته‌ی دیگری از چالش‌ها بودند و در همه‌ی دانشکده‌ها و از زبان بیشتر افراد بیان شدند که در شش زیر مجموعه به شرح زیر قرار گرفتند:

عدم برنامه‌ریزی صحیح: این امر شامل عدم تمرکز و هم‌سویی در کارهای فرهنگی، سطحی‌نگری، ظاهرسازی و شتاب زدگی در فعالیت‌های فرهنگی، منحصر ساختن فعالیت‌های فرهنگی در برگزاری مراسم و غفلت از مسایل اساسی و زیر بنایی فرهنگی جوانان امروز می‌باشد. در همین راستا، معاون فرهنگی یکی از دانشکده‌ها بیان داشت: «مسئله‌ی ارتباط دختر و پسر، مسئله‌ی مبتلا به جوان امروزی در دانشگاه، آیا به این مسئله فکر شده است؟ دین ما که بن‌بست ندارد، ما فقط یک قسمت دین را گرفته‌ایم و سرمان را زیر برف کردیم که بچه‌های ما خوبند... خودمان را گول

آموزش فرهنگی دانشگاه بیان می‌کند: «فرهنگ ابعاد بسیار وسیعی دارد. مذهب بعد ممتاز و درخشان فرهنگ است اما تنها بعد آن نیست و رشد کاریکاتوری آن باعث می‌شود که رشد فرهنگی نامتوازن داشته باشیم. البته این امر تا حدودی طبیعی است، چون همه‌ی جوامع نقاط خوب فرهنگشان را بزرگ‌تر نشان می‌دهند؛ اما این کار نباید افراط گونه باشد... یعنی یک قسمت باعث می‌شود سایر قسمت‌ها دیده نشوند... مطالعات جامعه‌شناسی نشان می‌دهند که اگر بیش از اندازه در تبلیغ دین افراط شود، در طول زمان عکس العمل‌هایی نشان داده می‌شود. بنابراین باید مشخص شود حد تبلیغ دین کجاست، با رأی و نظر متخصصان مذهبی و بر اساس آیات و روایات... دیگر اینکه در همان بعد مذهبی هم انتظار این است که در دانشگاه فرهنگ آرمانی جاری باشد. در حالی که این طور نیست. بیشتر ذائقه‌ی عموم مورد توجه قرار می‌گیرد که آن هم فرهنگ عامه را می‌پسندد، برای مثال در دانشگاه انتظار است به جای سینه‌زنی که در سطح جامعه هست و علاقه‌مندان از آن استفاده می‌کنند؛ آسیب‌شناسی عاشورا و پایه‌های قیام امام حسین(ع) گفته شود، هرچند عده‌ی کمی در آن شرکت کنند.»

### بحث

بر اساس آیین‌نامه‌ی اداری استخدامی اعضای هیأت علمی مصوب اسفند ماه ۱۳۸۷ هیأت امنای دانشگاه علوم پزشکی اصفهان طیف گسترده‌ی وظایف عضو هیأت علمی شامل ۷ حیطه‌ی آموزش، تحقیق و پژوهش، توسعه‌ی فردی، فعالیت‌های اجرایی و مدیریتی، ارائه‌ی خدمات درمانی و ارتقای سلامت و فعالیت‌های تخصصی در خارج از دانشگاه می‌باشد (۶).

با گنجانده شدن فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در آیین‌نامه‌ی جدید ارتقای مرتبه‌ی اعضای هیأت علمی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، در عمل انجام فعالیت فرهنگی، تربیتی جزء وظایف اعضای هیأت علمی محسوب خواهد شد. مطالعات نشان می‌دهند که فن‌آوری، افزایش دانش‌ها، مهارت‌ها، تغییر ساختارها، سرمایه‌ی کلان و تخصیص بودجه‌ی بیشتر، به تنهایی نمی‌تواند راه‌گشای

زمان خودش اطلاع نداشته باشد، دچار گمراهی می‌شود. ما حدیث هم داریم به خصوص الان خیلی باید حواس آدم باشد تا گمراه نشود. اما مسایل فرهنگی نباید تحت‌الشعاع مسایل سیاسی قرار بگیرد یا با هم توأم باشد. این یکی از آفت‌های کار فرهنگی است.»

اشکالات مدیریتی: وابستگی فعالیت‌های فرهنگی به افراد و نه به قوانین و مصوبات وزارتخانه‌ای، جایگاه کم‌رنگ معاونت فرهنگی، دانشجویی در مقایسه با معاونت‌های آموزشی و تحقیقات و فن‌آوری.

در این زمینه شرکت‌کننده‌ای با تأکید زیاد بیان می‌کرد: «...مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی در باب مدیریت اجرایی دانشگاه ایراد دارد، ناقص است، جایگاهی برای فعالیت‌های فرهنگی ندارد... در چارت سازمانی دانشگاه، معاونت آموزشی و پژوهشی خوب طراحی شده‌اند اما معاونت فرهنگی، دانشجویی پیش‌بینی نشده است. این معاونت جزء مصوبات کشوری نیست... دانشگاه‌ها از اختیارات خودشان استفاده کرده‌اند و آن را طراحی نموده‌اند...»

مشخص نبودن متولی برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فعالیت‌های فرهنگی اعضای هیأت علمی: فقدان سیستم مشارکت فعال و مؤثر اعضای هیأت علمی، عدم هماهنگی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری و معاونت فرهنگی، دانشجویی که به موازی کاری و صرف وقت و هزینه‌ی بی‌مورد خواهد انجامید.

فقدان سیستم آموزشی کارآمد برای فعالیت‌های فرهنگی: عدم استفاده از افراد مناسب برای آموزش در فعالیت‌های فرهنگی، عدم استعدادیابی فرهنگی و شناخت ناکافی از ابعاد مختلف فرهنگ.

شرکت‌کننده‌ای گفت: «... بعضی از افراد در یک زمینه بت می‌شوند و آموزش‌های تکراری می‌دهند که باید شخصیت‌زدایی شود و افراد جدیدی که دانشگاه و دانشجو را بشناسند مورد استفاده قرار بگیرند.»

شرکت‌کننده‌ی دیگری ضمن تبیین فرهنگ آرمانی و عامه و تأکید بر لزوم جاری ساختن فرهنگ آرمانی در سیستم

مورد توجه قرار گرفته است، زیرا استادان باید در برابر نیازهای دانشجویان و نیازهای جامعه پاسخگو باشند و هم‌گام با تغییر و تحولات روزافزون جامعه، توانایی انعطاف در برنامه‌ریزی و نوع پاسخ را در خود تقویت نمایند و نسبت به همه‌ی تحولات عمیقی که در کلیه‌ی شئون فرهنگی، علم، تکنولوژی و ... به وجود می‌آید، عکس‌العمل و حساسیت مناسب نشان دهند (۱۱). به منظور ایجاد انگیزه در اعضای هیأت علمی برای انجام بهتر و بیشتر این وظیفه‌ی خطیر، شناسایی راهکارهای جلب مشارکت فعال آنان ضروری به نظر می‌رسد. ایجاد فضای گفتگومانی در قالب جلسات هم‌اندیشی استادان و کرسی‌های آزاد اندیشی استادان و دانشجویان می‌تواند بستر خوبی برای جلب مشارکت فعال و مؤثر اعضای هیأت علمی در دانشکده و دانشگاه‌ها باشد. رهبر معظم انقلاب اسلامی طی سال‌های گذشته در دیدارهای مختلف خود با نخبگان، استادان و دانشجویان کشور، آن‌ها را به تشکیل کرسی‌های آزاد اندیشی در مکان‌های علمی و آموزشی به منظور انجام گفت‌وگوهای سازنده و مفید در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی فرا خوانده‌اند.

«گر بخواهیم در زمینه‌ی گسترش و توسعه‌ی واقعی فرهنگ و اندیشه و علم حقیقتاً کار کنیم، احتیاج داریم به اینکه از مواهب خدادادی و در درجه‌ی اول آزاد اندیشی استفاده کنیم. آزاد اندیشی در جامعه‌ی ما یک شعار مظلوم است. تا گفته می‌شود آزاد اندیشی، عده‌ای فوری خیال می‌کنند که بناست همه‌ی بنیان‌های اصیل در هم شکسته شود و آن‌ها چون به آن بنیان‌ها دل بسته‌اند، می‌ترسند. عده‌ای دیگر هم تلقی می‌کنند که با آزاد اندیشی باید این بنیان‌ها شکسته شود. هر دو گروه، به آزاد اندیشی - که شرط لازم برای رشد فرهنگ و علم است - ظلم می‌کنند. ما به آزاد اندیشی احتیاج داریم. متأسفانه گذشته فرهنگ کشور ما فضا را برای این آزاد اندیشی بسیار تنگ کرده بود.» (بیانات رهبر در دیدار اعضای انجمن اهل قلم مورخ ۱۳۸۱/۱۱/۰۷) (۱۲).

«باید راه آزاد اندیشی و نوآوری و تحول را باز گذاشت، منتها آن را مدیریت کرد تا به ساختارشکنی و شالوده‌شکنی و

مسائل آموزش عالی و ضامن رشد انسان‌هایی برتر و جامعه‌ای پویا و توسعه یافته باشد. به عبارت دیگر، در بین سه عامل توسعه یعنی سرمایه، تکنولوژی و نیروی انسانی، نیروی انسانی نقش محوری دارد و بدون پرورش نیروی انسانی کارآمد، دو عامل دیگر اگر چه به جای خود حایز اهمیت هستند، معلق می‌مانند (۷).

به طور تقریبی تمام شرکت کنندگان کار فرهنگی را لازمه‌ی تدریس موفق و آموزش مؤثر می‌دانستند و بر اهمیت رفتارهای استادان به عنوان الگویی برای دانشجویان تأکید می‌کردند. در تجارب بین‌المللی تأکید شده است که دانشجویان بخش بزرگی از رفتار اخلاقی خود را با الگوبرداری از نقش سایر متخصصین می‌آموزند. در ادبیات آموزش عالی نیز استفاده از نقش الگویی استادان به عنوان یک روش تدریس محسوب می‌شود (۸).

بنابراین شناسایی چالش‌ها و عوامل ممانعت کننده و تلاش برای برطرف نمودن و یا اصلاح آن‌ها به اجرای بهتر این وظیفه‌ی مهم خواهد انجامید.

نتایج تحقیقات متعدد در این خصوص نیز بیانگر این حقیقت است که از جمله نقش‌های استادان و مربیان، انتقال هنجارهای جامعه، فراهم کردن تجربه‌های فرهنگی، شکل دادن به رفتار، عقاید و نگرش‌های دانشجویان و پرورش فضایل اخلاقی در آنان است (۹).

نتایج این بررسی بر اهمیت و لزوم برنامه‌ریزی بلند مدت برای فعالیت‌های فرهنگی و مشارکت فعال اعضای هیأت علمی به عنوان کارگزاران اصلی فرهنگ در دانشگاه و جامعه دلالت می‌کند.

در خصوص نقش استادان به عنوان انتقال دهنده‌ی فرهنگی، Spindler و Spindler اعتقاد دارند که در طی دوره‌ی دانشجویی، محدودیت‌هایی که توسط مربیان تعیین می‌شود و تحمیل هنجارهایی از طریق استادان و گروه‌های آموزشی، از دانشجو یک مخلوق فرهنگی می‌سازد و هویت اجتماعی دانشجو را تغییر می‌دهد (۱۰).

نقش و عملکرد استاد در سال‌های اخیر به طور فزاینده‌ای

مبنی بر لزوم اجرای طرح توانمندسازی، دانش افزایی و معرفت افزایی استادان تأکید شود و برای اجرای صحیح این مصوبه و برگزاری مبرانه‌ی این دوره‌ها در دانشگاه، تمهیداتی اندیشیده شود.

با توجه به تفاوت‌های دیدگاه‌ها و شرایط کاری و فضای متفاوت دانشکده‌های مختلف، بررسی‌های علمی کمی و کیفی جهت ارایه‌ی راهکارهای عملی برای ارتقای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی بسیار راه‌گشا است. همچنین با توجه به ماهیت فرهنگ و فعالیت‌های فرهنگی، تدوین شاخص‌های کیفی و کمی مناسب برای سنجش فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در دانشگاه ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در این بررسی فقط به مشکلات و چالش‌های فعالیت فرهنگی از دیدگاه معاونین فرهنگی، دانشجویی پرداخته شد؛ در حالی که بهتر است در مطالعات بعدی این فعالیت‌ها از دیدگاه رئیس دانشکده و یا سایر اعضای هیأت علمی و دانشجویان نیز مورد بررسی قرار گیرد.

### نتیجه‌گیری

این بررسی بر اهمیت و لزوم برنامه‌ریزی بلند مدت برای فعالیت‌های فرهنگی و مشارکت فعال اعضای هیأت علمی به عنوان کارگزاران اصلی فرهنگ در دانشگاه و جامعه دلالت می‌کند. ایجاد فضای گفتگویی در قالب جلسات هم‌اندیشی استادان و کرسی‌های آزاد اندیشی، که مورد تأکید مقام معظم رهبری نیز می‌باشد، می‌تواند بستر خوبی برای جلب مشارکت فعال و مؤثر اعضای هیأت علمی در دانشکده و دانشگاه باشد. همچنین تدوین شاخص‌های کیفی و کمی مناسب برای سنجش فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی در دانشگاه، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

بر هم زدن پایه‌های هویت ملی نینجامد. حرف اصلی ما امروز این است که نه با توقف در گذشته و سرکوب نوآوری می‌توان به جایی رسید، نه با رهاسازی و شالوده‌شکنی و هرج و مرج اقتصادی و عقیدتی و فرهنگی می‌توان به جایی رسید؛ هر دو غلط است. آزادی فکر؛ همان نهضت آزادفکری که ما دو، سه سال قبل مطرح کردیم و البته دانشجویان هم استقبال کردند؛ اما عملاً آن کاری را که من گفته بودم، انجام نشده است؛ نه در حوزه، نه در دانشگاه. من گفتم کرسی‌های آزاد اندیشی بگذارید.» (بیانات رهبر در دانشگاه سمنان ۱۳۸۵/۰۸/۱۸) (۱۲).

در همین راستا، تدارک فضای آزاد و ایجاد جو اعتماد برای بحث و تبادل نظر و احساس راحتی برای بیان دیدگاه‌ها و اداره‌ی مؤثر این بحث‌ها و اجتناب از به حاشیه کشیده شدن بحث، اهمیت زیادی دارد.

مباحث فرهنگی به دلیل ماهیت خاص، قابلیت تفسیر و تأویل زیادی دارد و ساده‌نگاری و برداشت‌های سطحی و نامناسب از آفات این حوزه است که ممکن است باعث انحراف شود. بنابراین لازم است با مراجعه به افراد موثق و مطلع در این زمینه و استفاده از نظرات آنان از بروز اختلاف نظر مخرب و مفسده‌انگیز اجتناب شود.

همچنین ضروری است از طریق آموزش‌های ضمن خدمت و آیین‌نامه‌های شفاف، مستدل و دارای ضمانت اجرایی محکم، اعضای هیأت علمی پیرامون وظیفه‌ی شرعی و قانونی خویش مبنی بر پرداختن به تربیت صحیح در کنار تعلیم، توجیه شوند و منابع اطلاعاتی حمایتی موجود مثل مشاوران مذهبی نهاد رهبری در دانشگاه به آنان معرفی شوند و رابطه‌ی حوزه و دانشگاه بیش از پیش تقویت گردد.

همچنین بر مصوبه‌ی جدید شورای عالی انقلاب فرهنگی

### References

1. Rashidi HR, Mir Shah Jafari SE, Sharif Khalife Soltani M. Review process, the planning department of cultural activities during the program's second and third development of country. Journal of Psychology and Educational Sciences 2005; 35(1): 199-220. [In Persian].

2. Zandi Pour T. Pathology work culture and ethics. *Counseling Research & Developments* 2005; 4(16): 47-62. [In Persian].
3. Regulations of rank development of faculty members in educational and research institutions, approved by Supreme Cultural Revolution Council [Online]. 2010 Oct 14; Available from: URL: <http://www.iranculture.org/fa/simpleView.aspx?provID=1700/>
4. Ahmadi K. Relationship between religious beliefs and cultural vulnerability of families. *Journal of Behavioral Sciences* 2007; 1(1): 1-3. [In Persian].
5. PASCUAL J. European Commission European governance, Awhile paper: COM. Cultural Development, Public Policies and Local Strategies", in Policies for Culture. Local Cultural Strategy development in South-East Europe Building on practice and experience, European Cultural Foundation [Online]. 2002 [cited 2002 Mar 18]; Available from: URL: [http://ec.europa.eu/governance/contrib\\_etc\\_en.pdf/](http://ec.europa.eu/governance/contrib_etc_en.pdf/)
6. Upgrade Regulations of faculty members in educational and research institutions [Online]. 2008; Available from: URL: [http://lawoffice.mohme.gov.ir/lawoffice/laws/dedicated\\_law/laws\\_all.jsp?id=3&id2=1371/](http://lawoffice.mohme.gov.ir/lawoffice/laws/dedicated_law/laws_all.jsp?id=3&id2=1371/)
7. UNESCO. Division of Basic. Education. Blazing the trail: The village schools of Save the Children/USA in. *Proceedings of the International Conference on Education*; 1992 Sep 14-19; Geneva, Switzerland; 1992.
8. Derse AR. The evolution of medical ethics education at the Medical College of Wisconsin. *WMJ* 2006; 105(4): 18-20.
9. Selvakumar D, Joseph LB. The importance of including bio-medical ethics in the curriculum of health education institutes. *Educ Health (Abingdon)* 2004; 17(1): 93-6.
10. Spindler GD, Spindler LS. *Fifty Years of Anthropology and Education, 1950-2000: A Spindler Anthology*. London: L. Erlbaum Associates; 2000.
11. Parsayakta Z, Nikbakht Nasrabadi A. Critical review and evaluation process of medical education in the country. *Hayat* 2004; 10(1): 40-51.
12. The framework of free-thinking lessons from the perspective of leader [Online]. 2010; Available from: URL: <http://hamandishi.net/>

## Challenges of Social, Cultural and Educational Activities in Isfahan University of Medical Sciences, Iran\*

*Maryam Amidi Mazaheri, PhD<sup>1</sup>; Mojtaba Karbasi<sup>2</sup>; Firoze Mostafavi Darani, PhD<sup>3</sup>*

### Abstract

**Introduction:** The education system is the most important tool for transferring values and norms to the young generation and for the development of the community. On the other hand, universities, as the basis of rationality in societies, are in charge of reconstruction and improvement of the culture. The "Regulations of Faculty Members Promotion in Educational and Research Institutions", approved by the Supreme Cultural Revolution Council, has also considered cultural affairs in the first article. However, due to the abstract nature of the issues in the first article, this paper tried to identify the challenges of cultural activities in Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

**Methods:** This qualitative study was conducted to better understand the problems and challenges of cultural activities in Isfahan University of Medical Sciences during the second semester of 2011-2012. Purposeful sampling method was used and semi-structured interviews were performed with current or former Vice-Chancellery for Cultural and Students Affairs of different colleges of Isfahan University of Medical Sciences. Data was analyzed using qualitative content analysis.

**Results:** The four themes extracted from analyzing the interview transcripts included problems associated with the nature of culture, problems associated with faculty members, problems associated with students, and organizational problems.

**Conclusion:** The results of this study highlighted the necessity of long-term planning for cultural activities and active participation of faculty members. Creating a discursive environment through holding faculty members consultation meetings can be a good base for the active participation of faculty members in colleges and universities. Moreover, developing qualitative and quantitative indicators for measuring social, educational and cultural activities in universities is an unavoidable.

**Keywords:** Educational Cultural and Social Activities; Interviews; Qualitative Study.

**Type of article:** Original article

*Received: 3 Mar, 2012*

*Accepted: 5 Mar, 2012*

**Citation:** Amidi Mazaheri M, Karbasi M, Mostafavi F. **Challenges of Social, Cultural and Educational Activities in Isfahan University of Medical Sciences, Iran.** Health Information Management 2012; 8(8): 1190.

\* This article was derived from a research project (No. 190046) supported by Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

1. Assistant Professor, Health Education, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran. (Corresponding Author) Email: maryamamidi@hlth.mui.ac.ir

2. Lecturer, English Language, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.

3. Assistant Professor, Community Health, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran.